

نظر دیگران در مورد نیکی کریمی نیکی چه بدی داشت ...

نیکی کریمی آدمی درونگر و تاحدی خودشیفته است و سبک رفتاری اش به خیلی‌ها خوش نمی‌آید. برای همین است که آدم‌ها معمولاً با درموردش حرفی نمی‌زنند یا اینکه سر در دلشان بلز می‌شود و حسابی از خجالت خانم گلگردان درمی‌آیند.



ابراهیم حاتمی کیا

فیلمساز شده ... فیلم‌هایش را نمی‌شناسم. جزو ستاره‌هایی است که هنوز خودش را حفظ کرده است. هم شناس داشته و هم درایت.



سحر فرشی

من بازیگر نقش یک هستم، اما برای ایشان نقش عبوری بازی کردم. عشق کودکیم بود که نیکی را ببینم و بعد در پروژه هم هر چه گفت من جز چشم نگفتم. وقتی فهمیدم مرا فرش قرمز دعوت نکرده فهمیدم کار خله زنگ‌هلت! کم نیاوردم و رفتم به نیکی سلام کردم ولی جواب سلام مرا نداد. دوباره سلام کردم و باز جواب نداد. زدم روی شانه‌اش و گفتم سلام عرض می‌کنم من سحر قریشی هستم، اما نیکی فقط نگاهم کرد و باز رویش را آن طرف کرد و به شخصی دیگر گفت علی کجاست! ... این بی‌ادبی بود.



بهروز رهنما

(در واکنش به یادداشت نیکی کریمی در رابطه با فوت عباس کیارستمی): برایم عجیب بود که کسی که خودش بانام ایشان رشد کرده بود، جایی نوشته بود از خیل تسلیت‌ها و یادداشت‌های آدم‌های حتی عادی در شگفت است و این‌ها که در حد کیارستمی نیستند از کجا پیدایشان شده و... امان از این همه توهم و تکبر و حقیقی نبودن و روشنفکر نمایی!



حمیدرضا اثرنگ

هر جا که می‌رویم می‌بینیم هیچ اثری از ما وجود ندارد. برای خودم سوال شده است که آیا ما هم در فیلم «آذر» حضور داشته‌ایم؟ این خانم محترم چرا نمی‌رود بر ای خودش یک فیلم شخصی بسازد؟!



بهناز شفیعی (بدلکار)

نیکی کریمی از من خواسته بود که به کسی نگویم بدلکار او هستم تا فکر کنند خودش موتورسواری کرده است. تمام آموزش‌های موتورسواری و بدلکاری بر عهده من بود، اما در نهایت نه برای جشنواره از من دعوت شد و نه دستمزد مرا پرداخت کردند.



دیالوگ‌های برتر نیکی کریمی در طول سال‌ها فعالیت این زن کم حرف می‌زند!

درباره پرهیز غذایی قطعاً یک چیزهایی هست که در طول سال‌ها به آن‌ها رسیده‌ام. مثلاً روغن‌های مایع و جامد تولید کارخانه‌ها را اصلاً نمی‌خورم. شکر وقتند را اصلاً مصرف نمی‌کنم و سعی دارم میوه و سبزیجات جز و چیزهایی باشد که در طول روز زیاد می‌خورم.

همان‌طور که می‌دانید بعد از فیلم «عروس» خیلی از فیلمنامه‌ها را رد کردم. یک چیزی در ذهنم داشتم و آن هم این بود که فقط می‌خواهم بازیگران سینما کار کنم. این شاید برای کسی که تازه وارد سینما شده یک مقدار جاه طلبانه به نظر می‌رسد، ولی به هر حال نگاه من آن بود. با این حال نمی‌خواهم از اسامی فیلم‌هایی که آن موقع به من پیشنهاد شد، سخن بگویم چون الان که فکر می‌کنم، می‌بینم ناپختگی هم کردم که خیلی از آن‌ها را بازی نکردم!

(در سالی که فیلم «شام عروسی» را بازی کرد) بازی در نقش اول فیلم «همیم مثل مادر» را رد کردم.

آنچه همیشه در سینما از آن لذت بردم، سینمایی بوده که کارگردان آنچه را که دوست دارد می‌سازد نه اینکه مجبورش کنند چیزی را بسازد. ما متعلق به دورانی هستیم که کارگردانان فکر می‌کردند.

در این ۲۰ سال یک نادرست در سینما ندیدم.

نیکی کریمی کم صحبت می‌کند و به جای اینکه مثل خیلی‌ها بخواهد به ضرب و زور جلوی چشم باشد، در دنیای خودش زندگی می‌کند. با این حال هر وقت که خانم کریمی بارسلنه‌های مختلف گفت‌وگو کرده، حرف‌های جالب و قابل تاملی زده که به تیر اول مطبوعات و خبرگزاری‌ها تبدیل شده است.

اینکه یکی می‌گوید آدم‌هایی که بازیگرشان تمام بشود، سراغ کارگردانی می‌روند، به نظر من خیلی حرف مسخره‌ای است. مگر مل‌گیسون یا رابرت ردفورد بازیگرشان تمام شده بود که رفتند فیلم ساختند؟ آدم باید خودش تئوری جدید رو کند.

من خیلی از فیلم‌هایی را که بازی می‌کردم نمی‌پسندیدم، یعنی موقع دکویاژ با خودم می‌گفتم اگر فرار بود من بسازم یک جور دیگر دکویاژ می‌کردم. البته هیچوقت این مسئله را مطرح نمی‌کردم چون هر کارگردان ذهنیت خاص خودش را دارد.

در فیلم «روانی» دختری که نقشش را ایفا می‌کردم، دچار «پنیک اتک» (اختلال هراس) بود و من تا یک ماه برای آن فیلم، به خودم تلقین می‌کردم که دچار پنیک اتک هستم. حتی برای اینکه نقش را واقعی‌تر ایفا کنم، رفتم سراغ دکتر و قرص خوردم. تا مدت‌ها هم درگیر این بودم که چه طوری این فرصت را ترک کنم. آن زمان خیلی در بازیگری سخت می‌گرفتم.



صعود یا سقوط؟

۱۳۹۸

اینکه خانم کارگردان بعد از ۱۰ سال با فیلمنامه‌ای از هادی حجازی‌فر به میادین برمی‌گردد، می‌تواند اتفاق خوب و خوشی باشد، البته به شرط اینکه دست از فرم‌گرایی افراطی‌اش بردارد و خیلی شیک و مجلسی‌تر قصه «آتابای» را روایت کند.

خستگی

۱۳۹۳

نیکی کریمی در فیلم «شیفت شب» به تقلید از فضای سینمای اجتماعی «پسا فرهادیسوم» به معضلات زندگی طبقه متوسط می‌پردازد اما این پرداخت به قدری خام‌دستانه و تصنعی انجام شده که مخاطب از همان ابتدای راه با فیلم همراه نمی‌شود و اگر هم به تماشا بنشیند در مرحله پایان‌بندی حسابی سرخورده می‌شود.

یک ستاره

۱۳۸۹

در این سال بالاخره خانم بازیگر دست از فرم روایت خاص خودش برداشت و سعی کرد بدون ادا و لطوار روشنفکری فیلم داستانی بسازد. البته نیکی کریمی در سومین اثرش «سوت پایان» بازم دغدغه‌هایی مثل سانسور فیلم را مطرح می‌کند که کمکی به روایت نمی‌کند و بیشتر به دوباره شدن فیلم منجر می‌شود.